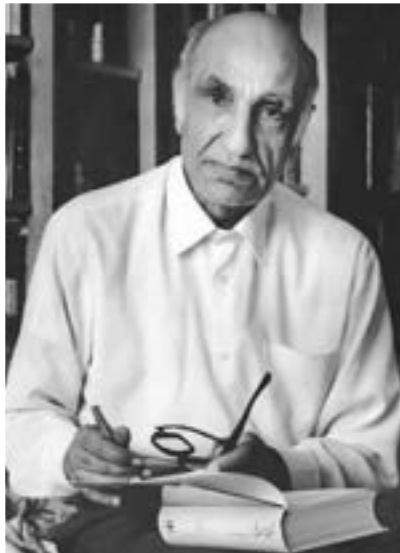


روایت دکتر محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، تاریخ‌دان و پژوهشگر برجسته از مشهد سال ۱۳۴۹

مشهد شهر درخت‌هاست



حسین بیات نخستین «کنگره بیهقی» ۲۱ شهریور ۱۳۴۹ خورشیدی در دانشگاه مشهد برگزار می‌شود. اساتید برجسته‌ای از شهرهای ایران و چندکشور خارجی در این کنگره حضور دارند؛ به‌همین واسطه خطبه‌های فراوانی درباره شخصیت و هنر نویسندگی بیهقی قرائت می‌شود که همه‌شان بعد از کنگره در نشریه ویژه این بزرگداشت منتشر می‌شوند. یکی از اساتید مدعو این کنگره، دکتر محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، تاریخ‌دان، پژوهشگر و استاد دانشگاه تهران، است که پیش از هر چیز به «روایت‌های شیرین از وقایع تاریخی» شهره است. او این حضور را یک ماه بعد در نشریه یغما و در مقاله‌ای با نام «هزاره بیهقی» انعکاس می‌دهد و همان‌طور که از نوشته‌های این استاد تاریخ انتظار می‌رود، در این مقاله نیز از کنگره بیرون می‌رود و اطلاعات بسیار ارزشمندی از خود شهر مشهد نیز ارائه می‌دهد؛ اطلاعاتی که تماما از مشاهدات او برآمده است و می‌تواند شمایی منحصربه‌فرد از وضعیت شهر مشهد در آخر دههٔ ۴۰ خورشیدی پیش روی مخاطب بگذارد.

- عطر دلپذیر زعفران اصل در سالن ناهارخوری

کنگره بیهقی علاوه بر «سیاحت» تجارت و زیارت هم داشت. بدین‌معنی که هم‌در باشگاه روح‌افزای کوه‌سنگی شبی را شهرداری مشهد سور داد؛ سر شبی را هم در پارک ۶۶۶ هزارمتری آریامهر گذراندیم. دکتر علی‌رضامجتهدزاده علاوه بر بیست صفحه سخنرانی بسیار گران‌بهای رجال قائن در تاریخ بیهقی، دو مقال زعفران گران‌بهاتر از آن را برای هر یک از مهمانان کنگره پشت‌بند مقاله خود کرده بود؛ و این تنها عضو دانشمند کنگره بود که وظیفه خود را به ادای حرف مفت، مقصور نکرده و یکی از مآخذ و منابع و مهم‌ر مستقیما با مقاله همراه کرد و با این کار خود ثابت کرد که خود بیش از هرکس می‌تواند از رجال نامدار قائن به‌شمار آید.

وقتی عطر دلپذیر زعفران اصل در سالن ناهارخوری ساختمان مجلل کوی دانشگاه به مشام پکایک اعضای کنگره رسید، آن وقت من متوجه شدم که چرا استادان پرمایه‌ای چون دکتر یوسفی و استاد فیاض و فرخ و عبدالحمیدمولوی و گلشن‌آزادی‌وده‌ها امثال آنان حاضر نشده‌اند خراسان را ترک گویند و آواره خاکستان ری شوند. درواقع داستان عمرولیث [صفاری] به‌خاطر م آمد که یکی از حریفان به او پیغام داد که «چرا از خراسان و نیشابور خارج نمی‌شوی و به سیستان اکتفا نمی‌کنی و متحمل این همه زنج و مخارج نگاهداری خراسان می‌شوی؟» عمرولیث جواب داد: چگونه‌ها کنم سرزمینی را که گل آن خورونی است و سنگ آن فیروزه است و علف آن زعفران؟!

۱- جالب آنکه برخی چون دکتر مشکور به زیارت گناباد و دکتر فاضل به زیارت تربت جام هم دست یافتند و با یک تیر دو نشان زدند.

۲- به قیمت مقالی هفت تومان (مجله یغما)، ۳- گل نیشابوری یاتین نیشابور به فراورده‌های برآمده از خاک نیشابور می‌گویند. اینجا منظور ریواس است، (شهرآرا)

- پذیرایی دانشگاهیان مشهد از مهمانان

همه دانشگاهیان مشهد، برای پذیرایی از مهمانان کمر همت بسته بودند و از این میان دوسه تن همچون دکتر متینی و استاد دکتر یوسفی، دمی از کوشش باز نیاستادند و جالب‌تر آنکه مردی چون [محمود] فرخ، در سنینی که بیش از هر چیز به استراحت احتیاج دارد، از صبح تا شام در کنگره بود و در منزل نیز کم‌وبیش اعضای کنگره را پذیرایی می‌کرد، چنان‌که در این یک هفته روزی و شبی نبود که به فراخور مهمان خانه منزلش، مهمان کنگره‌ای نداشته باشد.

- اعجاز درخت در مشهد

خوابگاه دانشجویان در خارج شهر - نزدیک پارک آریامهر- برای استراحت تخصیص داده شده بود، وقتی اتومبیل از لایه‌لای خیابان‌های پردرخت ملک‌آباد می‌گذشت، آدمی می‌توانست به اعجاز درخت در مشهد به خوبی آ‌گاه شود. مشهد شهر درخت‌هاست؛ شهر درخت‌های سپیدار چنار و صنوبر، با باغ‌هایی که طول و عرض آن را باید با اتومبیل پیمود. در یک جا صحبت از ۳ میلیون درخت‌کاری سال گذشته شد و این از شاهکارهای شهرداری مشهد است که گویا بی بولوارها و شُش خیابان‌های آن را مهندس شهرستانی افکنده بود و پیرنیا آن پایه را بالا برده است. خیابان‌های پردرخت مشهد برخلاف خیابان‌های پردرخت جاهای دیگر و از آن جمله تهران، مثل خیابان کاخ و پاستور و پهلوی، بسیار روشن است. معلوم شد که درخت سپیدار مزیتی که بر چنار دارد این است که چون پشت برگ‌ها و شاخه‌ها و تنه آن سفید شفاف است، نور را خوب منعکس می‌کند و در حکم لاله‌مرنگی اشعه خود را در اطراف خود می‌پاشد و می‌پراکند. این است که خیابان‌های پردرخت مشهد درحالی‌که درخت‌ها شاخه به‌هم فروبرده و بر زمین سایه‌افکن‌شد و اتومبیل از لایه‌لای شاخه‌های درخت می‌گذرد، باز هم تابناک و رخشان و الهام‌آمیز و مواج است.

آن‌طور که من دیدم اگر بولواری که به وکیل‌آباد می‌رود، با همین صد متر پهنا ادامه یابد، نام بسیاری از خیابان‌های معروف عالم و تاریخ مثل چهارباغ یا شانه‌لیزه را پشت سر خواهد گذاشت.

- مد شدن چمن‌کاری در شهرها

در وسط بعضی خیابان‌های مشهد مثل بیشتر شهرهای ایران، از آن جمله کرمان، اخیراً مد شده است که چمن می‌کارند و سطح بسیاری از پارک‌ها و بولوارها را هم چمن البته سبزی لطیفی است و همان است که در کوهستان‌های ما آن را «موه» (بر وزن جور به معنی ظلم) تلفظ می‌کنند که صورت دیگر مرغ است و مرغ‌زار از آن گرفته شده، اما نکته‌ای که باید بگویم این است که به گمان من شهرداری‌ها در مورد استفاده از این گیاه لطیف و افراط در آن، اشتباه می‌کنند. این مور

یا چمن، خاص آب‌وهوای ایران نیست. اصولا چمن گیاه پرخرجی است؛ هر مترمربع آن مبالغ زیادی خرج بر می‌دارد. در کشورهای خشک شرقی که قطره‌قطره آب را به‌زحمت از آسمان پایین می‌کشند و از چاه بالا می‌آورند و در لوله‌ها راه می‌اندازند، مصرف‌روانه آن برای چمن‌کاری یک نوع اسراف و ولخرجی است. این چمن آب زیاد می‌خواهد، سرپرستی می‌طلبد، یک روز که از آن غافل شوی، مثل سر کچل زشت و نازیبا می‌شود. اینکه اروپایی‌ها در تمام شهرها و دهات و بیابان‌های خود چمن دارند، دلیل کوشش خودشان برای نگهداری آن نیست، خداوند در آنجا هر هفته تابستان لااقل دو بار تمام سرزمین‌ها را با آب پاش قدرت خود آبیاری می‌کند. آنجا اصلا درخت، مزاحم است، زیرا جلوی

آفتاب را -که کمیاب است- می‌گیرد. در عوض چمن خودش خوب می‌رود؛ زیرا باران هست و دلپذیر است، زیرا همیشه شاداب است، فقط کافی است گاهی آن را بپیرایند. اما در ایران باید همان کاری کرد که قدیمی‌ها بعد از هزاران سال تجربه می‌کردند. باید درخت کاشت، زیرا در برابر آفتاب سوزان بی‌انتباهی که سالی ۱۰ ماه بی‌امان می‌تابد، احتیاج به سایه داریم. شاید متوجه نشده باشید که در دشت‌های بی‌کران، یک تک‌درخت چگونه جان مسافران را نجات می‌بخشد و چه همایون است درختی که بتوان ساعتی در سایه آن رخت برد، علاوه بر آن درخت همیشه آب نمی‌طلبد؛ اگر چند سال اول درست آن را آب دهند، بعد خود ریشه می‌دواند و

نگاهی به تاریخچه روز درخت‌کاری که قدمتی ۴۲۶ساله دارد

میراث اسپانیایی

اگرچه بسیاری از منابع اولین نام‌گذاری روز درخت‌کاری را به آمریکایی‌ها و ابتکار جولیوس استرلینگ مورتون، فرماندار نبراسکا، در سال ۱۸۷۲ میلادی مربوط می‌دانند، درواقع این افتخار به اسپانیایی‌هایی می‌رسد. نخستین جشنواره ثبت‌شده کاشت درخت در دنیا مربوط است به جشنواره روستای اسپانیایی موندوینندو که در سال ۱۵۹۴ میلادی برگزار شد. علاوه بر این، روستای کوچک دیگری در اسپانیا به نام ویلانوادوالسیرا در سال ۱۸۰۵ میلادی به ابتکار کشیش محلی و با حمایت مستقانه همه جمعیت خود، نخستین بار روزی را به‌عنوان روز کاشت درخت انتخاب کرد. در این روز «مردم روستای یک درخت پید را در محلی به نام دره اچی دو کاشتند و پس از آن کاشت درختان از سوی مردم ادامه یافت؛ سپس ضایعاتی برگزار شد و رقص هم وجود داشت. این جشن و کاشت‌ها سه روز به طول انجامید.» برگزارکنندگان این جشنواره همچنین مانیفستی را در دفاع از درختان نیز تهیه کردند که به شهرهای اطراف ارسال شد تا عشق و احترام به طبیعت را ترویج کند و همچنین توصیه کرد که درخت‌کاری در محلی که هستند، انجام شود.»

- جشن آمریکایی‌ها

اولین روز درخت‌کاری آمریکایی توسط جولیوس استرلینگ مورتون (۲۲ آوریل ۱۸۳۲-۲۷ آوریل ۱۹۰۲) از شهر نبراسکاسیتی، در جلسه سالانه هیئت کشاورزی ایالت نبراسکا که در لینکلن برگزار شد، پایه‌گذاری شد. مورتون در مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به‌نوعی محافظه‌کار بود، اما در زمینه درختان به‌شدت قاطعیت داشت و به‌شدت با بریدن درختان سالم از جمله برای کریسمس مخالف بود. اگرچه او در بسیاری از وقایع سیاسی دوران خود نقش داشت، همه به پایه‌گذاری «جشن روز درخت»، در سال ۱۸۷۲ میلادی می‌شناختندش. تاریخ جشن مذکور برای ۰۱ آوریل ۱۸۷۲ میلادی تعیین شد و جوایزی نیز به کسانی که بیشترین تعداد درختان را به‌درستی کاشته بودند، اهدا شد. تخمین زده می‌شود که در اولین جشن روز درخت‌کاری بیش از یک میلیون درخت در نبراسکا کاشته شده باشد. روز درخت‌کاری اما به‌طور رسمی در سال ۱۸۷۴ میلادی توسط رابرت و فرناس، فرماندار وقت نبراسکا، اعلام شد و این روز در ۰۱ آوریل آن سال جشن گرفته شد. در سال ۱۸۸۵ میلادی هم روز درخت‌کاری به‌عنوان یک تعطیلی قانونی، ایالتی در نبراسکا نام‌گذاری شد و ۲۲ آوریل به‌عنوان تاریخ دائمی برگزاری سالانه آن انتخاب شد. اگرچه سنت کاشت درخت در سال ۱۸۸۲ میلادی در مدارس سراسر کشور انجام شد (و دانش‌آموزان زیادی علاوه بر اینکه درباره اهمیت درختان یاد گرفتند، یک‌درخت نیز برای کاشت در حیاط خود دریافت کردند) در سال ۱۸۸۲ میلادی بود که انجمن جنگل‌داری آمریکا، شخصی به نام برتسی نورثروپ را به‌عنوان رئیس کمیته‌ای برای تبلیغ روز درخت‌کاری در سراسر کشور منصوب کرد. نورثروپ کسی بود که ایده روز درخت‌کاری را به دیگر کشورهای جهان از جمله به ژاپن، استرالیا، کانادا و کشورهای اروپایی برد.

امروزه در آمریکا آخرین جمعه ماه آوریل، به‌عنوان روز ملی درخت‌کاری شناخته می‌شود. اما برخی ایالت‌ها روز درخت‌کاری را در زمان‌های دیگری از ژانویه و فوریه در جنوب آمریکا تا ماه مه در دورترین شمال آن برگزار می‌کنند تا با بهترین شرایط کاشت درخت هم‌زمان شوند.

- نیت عصر ناصری که به تقویم نیامد

در ایران نیز گویا ناصرالدین‌شاه به‌تبعیت از فرنگی‌ها چهار اصله نهال را در آذر ۱۲۵۳ خورشیدی در باغ عشرت‌آباد کاشت و گام نخست را برای ثبت چنین روزی در تقویم ایرانیان برداشت اما چنین نشد تا ۱۵ بهمن ۱۳۱۲ خورشیدی که هم‌زمان با افتتاح نخستین دانشکده دانشگاه تهران برنامه درخت‌کاری نیز در تهران برگزار شد. اجرای این برنامه باعث شد که درخت‌کاری در دستورکار وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه وقت ایران قرار بگیرد. اواخر فروردین ۱۳۱۴ خورشیدی دستور درخت‌کاری در پنج ماهه از طریق جراید به مردم ابلاغ شد. در بخشی از این اعلان که وزارت معارف آن را منتشر و به همه ادارات ایالات صادر و ابلاغ کرده بود، چنین آمده است: «فلا برای اولین دفعه لازم است مراتب را به هر یک از نقاط تابعه حوزه مأموریت خود ابلاغ و دستور دهید مطابق مقررات ذیل عمل نمایند که در ابتدا، به مقدار مین قبل نهال‌هایی به وسایل مقتضیه تهیه و در یکی از روزهای فروردین سال ۱۳۱۴ با حضور کلیه آموزگاران یا دبیران و با تشریفات خاصی نهال‌ها در امکنه‌ای [مکان‌هایی که قبلاً تعیین شده است، به‌وسیله



آب از زمین می‌گیرد، این است که با این مقدار زیاد آبی که فی‌المثل شهرداری کرمان یا شهرداری شیراز صرف چمن می‌کند، اگر صرف درخت‌کاری می‌کرد، همه اطراف شهرها را می‌شد جنگل کاشت. ما به سایه در ایران پیش از چمن احتیاج داریم، زیرا در سایه درخت می‌توان در تابستان قدم زد، ولی بر سطح چمن در برابر آفتاب ایران نمی‌توان نشست، خصوصاً که ما هنوز آن چنان‌که باید از صحن چمن پارک‌ها و بولوارها استفاده اساسی مثل اروپایی‌ها نمی‌کنیم و درواقع چمن‌ها در ایران حرام می‌شوند که به قول شاعر همشهری‌مان «این سبزه خوش است بی می از بهر خران»^۱

۱- واین مصراع در همین کنگره، سعیدی سیرجانی هم به‌گوش بعضی‌ها خواند.



- سال برکت‌خیز دانشگاه

سال تحصیلی ۴۸-۴۹ از سال‌های برکت‌خیز دانشگاه مشهد بوده است. دو کنگره در یک سال ترتیب داد که «کنگره شیخ طوسی» در ایام عید و همین «کنگره بیهقی» در پایان تابستان بوده باشد. حدود ۱۵۷ میلیون ریال بودجه سال گذشته دانشگاه برای بیش از ۳ هزار و ۵۴ تن دانشجوی مصرف شده است. بدین معنی که طرح ساختمان بیمارستان شهناز پهلوی و طرح نگاهداری پلی‌کلینیک و حقوق مدرسین و تهیه لوازم دانشگاهی و ساختمان خانه دانشجویو شروع ساختمان دانشکده الهیات و توسعه چاپخانه دانشگاه در جزو کارهای قابل اعتنا حساب می‌شود. خوابگاهی که ما در آن بیتوته می‌کردیم، ساختمان پنج طبقه‌ای است و گنجایش ۲۶۰ دانشجو دارد و همه را می‌تواند شام و نهار سلف سرویس یا به تعبیر من «بردار و بخور» بدهد. مؤسسات وابسته به دانشکده بدین‌گونه کار می‌کنند؛ دانشکده پزشکی دارای ۲۷ استاد، ۳۶ دانشیار، ۲۳ استادیار و چهار دبیر و معلم و ۵۶۲ دستیار و ۵۲۴ دانشجویست. دانشکده الهیات و معارف اسلامی با پنج استاد و دو دانشیار و سه استادیار و یک تن دانشیار افتخاری، ۲۵۸ دانشجو را اداره می‌کند. دانشکده علوم ۳۱۱ استادیار و مدرس و معلم و ۴۳ کارشناس آزمایشگاهی، ۱۳۰۶ تن دانشجو را رهبر است. دانشکده دندان پزشکی با یک استاد و چهار استادیار و هشت دستیار و مدرس ۳۱۳ تن دانشجو دارد، و بالاخره دانشکده ادبیات و علوم انسانی دارای هفت استاد و یک دانشیار و هشت استادیار و مدرس و پنج دبیر است و ۹۹۶ تن دانشجو و این همان دانشکده‌ای است که کنگره بیهقی را به راه انداخت.

- زیارت کنگره‌ای مقبول است؟

بعضی‌ها تردید داشتند که این زیارت کنگره‌ای آیامی‌تواند صد درصد مقبول باشد یا خیر؛ چون بلیت طیاره‌اش را که دانشگاه مشهد داده و خرج و مخارج زوار هم به دوش این‌و آن بود، تنها می‌ماند نیت آن و خواندن زیارت‌نامه که لابد از عهده برآید. یاد حرف یغماجندقی افتادم که مردی از روی تشکیک، نه از جهت لطمشن قلبه پس از برگشت از زیارت مشهد از یغما پرسیده بود: «می‌گویند که سنگ از راه‌های دور به زیارت حضرت رضا^ع می‌رود، آیا این اعجاز می‌تواند قابل قبول باشد؟» مرحوم یغما بی تأمل گفته بود: «البته که صحیح است و صد درصد هم صحیح است تو را که کلوخ چشم‌داری بیش نبودی، به زیارت خود کشاند و بازگرداند، سنگ که دیگر جای خود را دارد.»

- بیهقی یا لهجه «ژاپونی»

در این کنگره، مقالاتی که جنبه تاریخی داشت نیز کم نبود. استاد مینوی بدون اینکه «نوی بوده‌ها را بیابد» از ترک و تازیک در عصر بیهقی صحبت کرد. دکتر شیرین بیانی از زن در تاریخ بیهقی سخن گفت. دکتر نورانی وصال شخصیت آلتونتاش را از نظر بیهقی روشن ساخت و دکتر جواد مشکور از آمدن ترکان غز به ایران سخن گفت. اصطلاحات دیوان و اداری را دکتر مهدی محقق، جهان بینی بیهقی را دکتر محمد علی اسلامی ندوشن، روش علمی او را تقی‌بینش روشن ساخت.

دکتر جمال رضایی قیافه بوسهل روزنی را در بیهقی مجسم ساخت و من به «یاد هرکام» از تاریخ بیهقی» اکتفا کردم. گیتی فلاح‌رستگار از آداب و رسوم و تشریفات دربار غزنه حکایت کرد و استاد دکتر عباس زریاب خویی، تاریخ‌نویسی بیهقی را به دقت توجیه نمود و مهدی‌رکنی بزدی از دیوان رسالت و آیین دبیری از خلال تاریخ بیهقی یاد کرد. محمود مهدوی دامغانی از سخنرانی بسیار جالبی از جغرافیای تاریخی بیهق سخن گفت. دکتر صادق‌کیا بعضی اصطلاحات و ترکیبات خاص بیهقی را که مختص سرزمین بیهق و گویش بیهقی است، روشن نمود. گمان من این است که کنگره بیهقی اگر هزار گناه داشت، همین‌که استادی مثل کان‌کا یا راوادار نمود تا از ماورای دریای زرد، یعنی در جزایر زین این تاریخ را از صدر تا ذیل بخواند و گروه‌های مذهبی عهد غزنوی را از خلال این تاریخ بیرون بکشد و آنگاه به لهجه ژاپونی با زبان بیهقی در جوار گنبد طلای حضرت رضا^ع در باب دین اسلام و گروه‌های آن سخن گوید و عذرخواه باشد، همین یکی برای سبک‌کردن صد من استخوان هر گناه کنگره بیهقی و گردانندگان آن کافی است. برای دانشگاه جوان مشهد و استادان جوان تر آن، آینده بسیار درخشان در پیش است و به قول همان بیهقی «ما پیران اگر عمر باییم، بسیار آثار ستوده خواهیم دید که چون شکوفه نهال را سخت تمام و روشن و آبدار ببیند، توان دانست که میوه برچه جمله آید.»

برگرفته از مقاله «هزاره بیهقی»، نوشته محمدابراهیم باستانی پاریزی، شماره ۷ (پیاپی ۲۶۵) نشریه یغما، تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۴۹ صفحات ۴۱۹ تا ۴۱۲